

بررسی ارتباط حاکمیت شرکتی و عملکرد و پنج حوزه مدیریتی و مالی (مطالعه موردی: بانکها و شرکتهای وابسته و فرعی)

ناصر ایزدی نیا

دانشیار حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان

بهاره اعظمی*

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و شرکتهای وابسته و فرعی و پنج حوزه مدیریتی و مالی با عملکرد بانکها است که در پژوهش های اخیر کمتر به ارتباط این متغیرها و اثر آنها بر عملکرد بانکها که مهم ترین شرکتهای بورس اوراق بهادار هستند و بر اقتصاد کل کشور نیز اثر مهمی دارند، پرداخته شده است پس سوالی که مطرح می شود این است آیا بین عملکرد بانکها و برخی متغیرها رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد؟ در راستای تحقق هدف پژوهش سه فرضیه مطرح شده است و این پژوهش بر اساس مدل انگور و کوسا (۲۰۱۳) و رز (۲۰۱۶) است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش از نوع توصیفی - تحلیلی است، داده های این پژوهش از نوع داده های ترکیبی و ۶ ساله از سال ۱۳۸۷ - ۱۳۹۲ است و جامعه آماری شامل ۱۲ بانک و ۷۲ شرکت وابسته و فرعی بانکها است، همچنین آزمون فرضیه های پژوهش به کمک الگوی رگرسیون چند متغیره انجام گرفت. نتایج حاصل از برآورد مدل پژوهش گویای آن است که بین عملکرد بانکها و حاکمیت شرکتی آنها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین شرکتهای وابسته و فرعی و عملکرد بانکها رابطه مثبت و معنادار بستگی به متغیرهای عملکرد دارد یعنی اگر عملکرد بانکها با نسبتهای مالی سنجیده شود رابطه مثبت و معنادار و اگر عملکرد بانکها با اقلام ترازنامه سنجیده شود رابطه معناداری وجود ندارد و در مورد ۵ حوزه کمز هم اگر عملکرد با نسبتهای مالی سنجیده شود به جز مدیریت بهره وری و نسبت نقدینگی سایر متغیرها با عملکرد رابطه معنادار دارند و اگر عملکرد با اقلام ترازنامه سنجیده شود با ۵ حوزه کمز رابطه معنادار قابل اثبات است پس با تفاوت متغیرهای عملکرد نتایج رابطه ای بین عملکرد و متغیرهای کمز به جز متغیر تولید ناخالص داخلی تغییر کرده است.

واژگان کلیدی: عملکرد بانکها، حاکمیت شرکتی، کفایت سرمایه، کیفیت دارایی، عملکرد شرکتهای وابسته و فرعی.

۱- مقدمه

در سراسر جهان عملیات بانکها به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های فعالیت اقتصادی آن نظام مدنظر است. هر فعالیتی مستلزم کسب سرمایه و منابع مالی می‌باشد و بی‌تردید این فعالیتها بدون دخالت بانکها و مؤسسات مالی امکان پذیر نیست، بنابراین با توجه به نقش اساسی بانکها به عنوان نهادی اصلی در اقتصاد، بررسی عملکرد آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. امروزه اهمیت ارزیابی عملکرد در تمامی حوزه‌ها بر هیچ فرد و سازمانی پوشیده نیست؛ البته واضح است که برای ارزیابی عملکرد و کارایی باید از روشهای علمی و تثبیت شده استفاده نمود تا نتایج حاصله برای اتخاذ تصمیمات و راهکارهای اصلاح و بهبود، قابل اطمینان باشند. همچنین به نظر می‌رسد که باید انگیزه‌ای در بانکها ایجاد شود تا از منابع تأمین مالی محدود استفاده بهینه کنند و این استفاده بهینه در قالب افزایش سودآوری نمایان می‌شود، محیطی که بانکها امروزه در آن فعالیت می‌کنند محیطی در حال رشد و بسیار رقابتی می‌باشد و بانکها برای ادامه حیات مجبور به رقابت با عوامل متعددی در سطح ملی و بین‌المللی و بسط فعالیت‌های خود از طریق سرمایه‌گذاری‌های جدید هستند. بانکها برای سرمایه‌گذاری احتیاج به منابع مالی دارند، اما منابع مالی و استفاده از آنها باید به خوبی تعیین شود تا بانکها بتوانند سودآور باشند (سید نورانی و همکاران، ۱۳۹۱). پس بانکها در جهت پیروزی رقابت باید در ابتدا به افزایش بهبود عملکرد خود اقدام کنند. حاکمیت شرکتی عاملی است که می‌تواند باعث بهبود عملکرد بانکها شده و برخی سازوکارهای مختلف آن عبارتند از: حسابرس مستقل شرکت، کنترل‌های داخلی، کمیته حسابرسی، نظارت قانونی، مدیران غیر اجرایی و سرمایه‌گذاران نهادی. یکی از موارد مهم راهبری شرکتی که در سال‌های اخیر توجه زیادی به آن شده و اصلاح گردیده است، ساختار هیأت مدیره می‌باشد. یک هیأت مدیره به عنوان گروهی از افراد با مسئولیت رهبری و هدایت یک شرکت و با هدف اولیه محافظت از منافع سهامداران مطرح می‌شود. هیأت مدیره در ارزیابی مناسب بودن شیوه‌ها و استراتژی‌هایی که مدیریت جهت رسیدن به اهداف شرکت مورد استفاده قرار می‌دهد، مسئول است. هیأت مدیره برای اینکه از بکارگیری مؤثر یک استراتژی اطمینان بدست آورد، عملکرد مدیریت را به دقت مورد بررسی قرار می‌دهد (عبدالله، ۲۰۰۴: ۴۹).

هدف اصلی بسیاری از تئوری‌های راهبری شرکتی، ارتباط بین ویژگی‌ها و مشخصه‌های گوناگون هیأت مدیره با عملکرد شرکت بوده است. تئوری نمایندگی یک شیوه غالب در ادبیات اقتصادی و مالی بوده است. تئوری نمایندگی به هم راستا کردن منافع مالکان و مدیران مربوط می‌شود و بر این فرض استوار است که یک تضاد اساسی بین منافع مالکان شرکت و مدیران آن وجود دارد (فاما و جنسن^۲، ۱۹۸۳). تئوری نمایندگی این توصیه و سفارش هنجاری را بیان می‌کند

که اکثریت اعضای هیأت مدیره بایستی غیر اجرایی بوده و در حالت ایده‌آل اکثریت آنها مستقل باشند و پست و سمت مدیر عامل و رئیس هیأت مدیره می‌بایستی توسط دو فرد مختلف نگهداری شود (کیل و نیکلاس^۲، ۲۰۰۳). در گزارش کادبری توصیه شده که بین اعضای هیأت مدیره باید توازن قوا وجود داشته باشد تا هیچ کس قادر به کنترل «بی قید و شرط» فرایند تصمیم‌گیری در شرکت نباشد. علاوه بر این، تقسیم مسئولیت‌ها در سطح عالی شرکت باید به روشنی مشخص شده باشد تا از توازن قوا و حدود و اختیارات اعضای هیأت مدیره، اطمینان کافی حاصل شود و این گزارش توصیه کرده است که هیأت مدیره باید حداقل دارای سه عضو غیر اجرایی باشد. تا اعضای مزبور، توان تأثیرگذاری بر تصمیم‌های هیأت مدیره را داشته باشند. همچنین در گزارش مذکور بیان شده است که مدیران غیر اجرایی باید دارای دیدگاه‌های مستقلی در زمینه راهبرد، عملکرد، منابع، انتخابات و استانداردهای اجرای عملیات شرکت باشند. علاوه بر این، قید شده است که اکثریت مدیران غیر اجرایی، باید مستقل از مدیریت شرکت باشند و نباید هیچ گونه رابطه‌ای با شرکت داشته باشند که استقلال آنان را با مخاطره روبه رو سازد. در حقیقت، در گزارش مزبور تصریح شده است که دست کم دو نفر از حداقل سه عضو غیر اجرایی هیأت مدیره باید مستقل باشند.

علاوه بر حاکمیت شرکتی یکی از موضوع‌های مهم در بانکها، وجود شرکتهای وابسته و فرعی است و در مواردی ارتباط بین واحد سرمایه‌گذار و واحد سرمایه‌پذیر از ارتباط معمول بین واحد تجاری و سهامدار، فراتر نمی‌رود. اما، در موارد دیگر، ارتباطی خاص بین واحد سرمایه‌گذار و واحد سرمایه‌پذیر وجود دارد که ویژگی آن، توان واحد سرمایه‌گذار در کنترل یا اعمال نفوذ بر سیاستهای مالی و یا عملیاتی واحد سرمایه‌پذیر است. در مواردی که چنین ارتباط خاصی بین واحد سرمایه‌گذار و واحد سرمایه‌پذیر وجود دارد، واحد سرمایه‌پذیر یا یک واحد تجاری فرعی و یا یک واحد تجاری وابسته است. تفاوت بین واحد تجاری فرعی و واحد تجاری وابسته، عموماً در میزان توانایی واحد سرمایه‌گذار برای اعمال نفوذ در سیاستهای مالی و عملیاتی واحد سرمایه‌پذیر است.

بعد از مطرح کردن حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکتهای وابسته و فرعی یکی دیگر از عوامل شاید تأثیرگذار بر عملکرد بانکها پنج حوزه پنج حوزه مدیریتی و مالی است که نقاط اصلی آسیب‌پذیری سیستم بانکی را به خوبی درک کرده و دلایل مربوطه را نیز توضیح می‌دهد (احمدیان، ۱۳۹۲). مثلاً یکی از شاخص‌های پنج حوزه مدیریتی و مالی کفایت سرمایه است که قدرت داخلی بانک یا شرکت را در مواقع بحرانی نشان می‌دهد و بر سودآوری بانکها اثر مستقیم دارد (سنگمی و نصیری^۳، ۲۰۱۰). هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین برخی متغیرها با عملکرد بانکها است. سوالی که مطرح می‌شود این است که بین عملکرد بانکها و عملکرد شرکتهای وابسته و فرعی و حاکمیت شرکتی و برخی متغیرهای حوزه پنج حوزه مدیریتی و مالی رابطه معناداری

و مثبتی وجود دارد؟ در این پژوهش تلاش شده است در جهت پاسخ به سوال اصلی از مدل انگور و کوسا (۲۰۱۳) و رز (۲۰۱۶) که عملکرد را به عنوان متغیر وابسته مطرح کردند استفاده شود. پژوهش‌های گوناگونی در ارتباط با حاکمیت شرکتی در کشور صورت گرفته است اما تاکنون پژوهشی به بررسی رابطه عملکرد بر مبنای پنج حوزه مدیریتی و مالی با حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکتهای وابسته و فرعی نپرداخته است لذا بررسی رابطه مذکور ضروری به نظر می‌رسد که در این پژوهش به بررسی آنها پرداخته می‌شود. این پژوهش اطلاعات سودمندی در اختیار مدیران بانکها و شرکتهای بازار بورس اوراق بهادار و با توجه به اهمیت عملکرد بانکها در اقتصاد کل کشور در اختیار سرمایه گذاران و قانون گذاران قرار می‌دهد زیرا خیلی قانون گذاران در حوزه ی حسابداری به شرکتهای وابسته و فرعی و حاکمیت شرکتی و پنج حوزه ی مدیریتی و مالی بسیار کم توجه کرده اند که در این تحقیق به آنها پیشنهادهایی داده شده است.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش حاکمیت شرکتی

مبانی اولیه حاکمیت شرکتی با تهیه گزارش کادبری در انگلستان، گزارش دی در کانادا و مقررات هیأت مدیره در جنرال موتورز آمریکا شکل گرفت، که بیشتر بر موضوع راهبری شرکتها و حقوق سهامداران متمرکز بود و بعدها، با طرح دیدگاه های نوین با توجه جدی به حقوق تمام ذینفعان و اجتماع تکامل پیدا کرد، اولین مفهوم حاکمیت شرکتی، به معنای سکان گرفته شده که معمولا برای هدایت یک کشتی به کار میرود و دلالت بر این دارد که تمرکز این تعریف از حاکمیت شرکتی بر راهبری است (حساس یگانه، ۱۳۸۴). فروپاشی شرکت انرون در سال ۲۰۰۱، نظرها را به سوی اثربخشی عملکرد مدیران غیر موظف هیأت مدیره و در پژوهش حساس یگانه و نادری نوعینی در سال ۱۳۸۶ بنام استقلال هیأت مدیره و جلوگیری از تضاد منافع ذکر شده است جلب کرد (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۸۶). بانک فدرال آمریکا استقلال هیأت مدیره را تأیید کرد (فالی و کریشنان، ۲۰۱۷). در گزارش همپل در سال ۱۹۹۸ وظیفه و نقش مدیران غیراجرایی مورد بازنگری قرار گرفته، ولی پیشنهادی در مورد افزایش تعداد مطلوب آنان در هیأت مدیره ارائه نشده است. از سوی دیگر، ترکیب مطلوب پیشنهادی اعضای اجرایی و غیر اجرایی هیأت مدیره در قانون جامع ۱۹۹۸ نسبت به تعداد توصیه شده در قانون کادبری تغییری نداشته است. در هر دو قانون تأکید شده که تعداد مدیران غیر اجرایی نباید کمتر از یک سوم تعداد اعضای هیأت مدیره باشد و هیأت مدیره باید با به حداکثر رساندن سود برای سهامداران، منافع خود را با گروه های ذینفع هماهنگ سازد (فرنندز، ۲۰۱۵). تعاریف ارائه شده برای حاکمیت شرکتی متنوع است عمده ترین عامل تمایز این تعاریف را می توان پهنه یا گستره شمول حاکمیت شرکتی دانست از یک منظر می توان این نظام را رابطه مدیران با

سهامداران دانست که مبنای نظری آن، نظریه نمایندگی در شکل محدود خود است در آن سوی این طیف و در نگرشی وسیع، حاکمیت شرکتی، رابطه شرکت با تمام ذینفعان خود را در بر می گیرد که پشتوانه نظری آن را می توان، نظریه ذینفعان دانست (جلالی جلال آبادی و همکاران، ۱۳۹۵).

عملکرد

از اولین پژوهش‌های مهم در رابطه با عملکرد می‌توان به پژوهش شوارتز و منون^۸ سال ۱۹۸۵ نام برد که در پژوهش ذکر شده ۸۵ شرکت و عملکرد مورد بررسی قرار گرفت و از دیگر پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش فرید من و سینگ^۹ در سال ۱۹۸۹ که بر روی ۱۳۰ شرکت است اشاره کرد که البته نتیجه این پژوهش هیچ رابطه‌ای بین عملکرد گذشته و جایگاه مدیران را در برداشت (فریدمن و سینگ، ۱۹۸۹). در مورد نقش هیأت مدیره و عملکرد دو دیدگاه وجود دارد دیدگاه اول: هر چه اندازه هیأت مدیره کوچک‌تر باشد، عملکرد شرکت بهبود می‌یابد به عبارت بهتر در شرکت‌های دارای هیأت مدیره بزرگتر ممکن است افرادی بدون تخصص وجود داشته باشند که کارایی هیأت مدیره را تحت تأثیر قرار دهند و در دیدگاه دوم هر چه اندازه هیأت مدیره بزرگتر باشد احتمال حل مسائل بهتر و بیشتر خواهد بود و در مورد ترکیب هیأت مدیره و استقلال با عملکرد می‌توان به تئوری نمایندگی و عامل مهم آن یعنی کنترل اشاره کرد و بدین ترتیب ترکیب هیأت مدیره در افزایش عملکرد به صورت کنترلی، نقش مهمی ایفا می‌کند و ترکیب هیأت مدیره به عنوان ابزار کنترلی در شرکت، تعیین کننده قدرت هیأت مدیره است (انگور و کوسا^{۱۰}، ۲۰۱۳). وجود اعضای غیر موظف باعث افزایش کارایی و عملکرد شرکت شد زیرا مدیران غیر موظف به دلیل استقلال نقش نظارتی مؤثرتری در شرکت دارند (نیکبخت و همکاران، ۱۳۸۹).

شاخص‌های پنج حوزه مدیریتی و مالی

شاخص پنج حوزه مدیریتی و مالی شامل: کفایت سرمایه^{۱۱}، کیفیت دارایی^{۱۲}، مدیریت بهره‌وری^{۱۳}، درآمد^{۱۴}، نقدینگی^{۱۵} است (احمدیان، ۱۳۹۲). شناسایی درجه اعتبار، سودآوری و نقدینگی، از جمله مهمترین معیارها برای سنجش فعالیت یک بانک است. به همین منظور از سال ۱۹۸۸ کمیته نظارت بر بانکداری بازل^{۱۶} نیز بکارگیری شاخص‌های پنج حوزه مدیریتی و مالی را برای ارزیابی نهادهای مالی لازم دانسته است. اجزای این شاخص‌ها عبارتند از: کفایت سرمایه: بانک ناگزیر می‌باشد که سطح معقولی از سرمایه را نگهداری نماید. کمیته بازل حداقل مقدار نسبت کفایت سرمایه را برای بانک‌های کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی را هشت درصد در نظر گرفته، اما برای بانک‌های کشورهای آسیایی به علت ضعیف بودن سیستم نظارتی اعتباری، حداقل این نسبت را ۱۲ درصد اعلام کرده است. این شاخص از مهم‌ترین محرک‌ها در فرآیند سودآوری مؤسسات مالی و بانک‌ها محسوب می‌شود. کمیته بال، ابتکار

عمل تدوین استاندارد کفایت سرمایه مبتنی بر کنترل ریسک را به طور گسترده در دست گرفت (ولی الله، ۱۳۸۴). حداقل نسبت کفایت سرمایه برای کلیه بانک ها و مؤسسات اعتباری اعم از دولتی و غیردولتی، ۸ درصد تعیین شده و بانک مرکزی می تواند در مواردی که استانداردهای بین المللی یا ضرورت حفظ سلامت بانک ها و مؤسسات اعتباری اقتضا کند، حدود بالاتری را برای تمام یا برخی از بانک ها و مؤسسات اعتباری تعیین کند (لندارانی، ۱۳۸۹). البته این نسبت در برخی بانکهای این پژوهش مقدار کمتری را نشان می دهد. کیفیت دارایی ها: کیفیت دارایی ها در بانک ها مستقیماً با عملکرد مالی آن ها در ارتباط است. ارزش تسهیلات، وابسته به ارزش نقد شدن وثایق آن است، در حالی که ارزش سرمایه گذاری ها وابسته به ارزش بازار است. از بانک انتظار می رود که از دارایی های با ثبات در پرتفوی خود استفاده نماید و برای کاهش ارزش دارایی های خود یک برنامه زمان بندی شده و ذخایر مناسب برای جبران ارزش آن در نظر بگیرد. کیفیت دارایی ضعیف از علل عمده شکست بانک ها است.

مدیریت بهره‌وری: این شاخص ارزیابی کیفیت مدیریت، میزان هزینه هر واحد پولی را که تسهیلات داده می شود را نشان می دهد. لذا کاهش آن منجر به افزایش کارایی و سودآوری نهادهای مالی می گردد. عملکرد چهار شاخص دیگر عناصر پنج حوزه مدیریتی و مالی وابسته به نحوه بصیرت، توانایی، هوشیاری، حرفه‌ای بودن، درستی و بی نقص بودن و شایستگی مدیریت نهادهای مالی است. با توجه به اینکه نقش مدیریت در موفقیت هر نهادی تعیین کننده است، عموماً کیفیت مدیریت وزن بیشتری نسبت به سایر شاخص های عناصر پنج حوزه مدیریتی و مالی در ارزیابی نهادهای مالی دارد. شاخص زیر میزان کارایی در پرداخت تسهیلات را بر حسب مقیاس پول نشان می دهد و درآمدها: کیفیت و روند تحصیل درآمدها در یک نهاد مالی، ارتباط زیادی با چگونگی مدیریت دارایی ها و بدهی ها در آن نهاد دارد. کسب درآمد در یک نهاد مالی، باید سودآور باشد، به نحوی که از رشد دارایی ها حمایت کند و قابلیت اندوخته سازی در سازمان را بالا برد تا منجر به افزایش حقوق سهامداران گردد. عملکرد درآمدی خوب منتهی به افزایش اطمینان سپرده گذاران، سرمایه گذاران، وام دهندگان و بخش عمومی نسبت به مؤسسه خواهد شد. درآمد سالمی که به طور پیوسته بدست بیاید موجب پایداری بانکها می شود (گریب^{۱۷}، ۲۰۰۷).

نقدینگی: کنترل نقدینگی از مسئولیتهای مهم مدیریت بانک است. استفاده از وجوه کوتاه مدت در سرمایه گذاری های بلند مدت، بانک را با این ریسک مواجه مینماید که دارندگان حسابهای سرمایه گذاری ممکن است متقاضی دریافت وجوه خود باشند و این نکته بانک را مجبور به فروش دارایی های خود نماید. بانک می بایست نقدینگی کافی برای پاسخگویی به تقاضای سپرده گذاران و وام دهندگان داشته باشد تا اطمینان عمومی را نسبت به خود جلب نماید. بانک

ها نیازمند داشتن سیستم مدیریت دارایی و بدهی اثربخش می‌باشند تا بتوانند عدم انطباق سررسید در دارایی‌ها و بدهی‌ها را حداقل و بازگشت آن‌ها را بهینه نمایند. همچنین نقدینگی با سودآوری رابطه معکوس داشته، بنابراین، نهادهای مالی باید بین نقدینگی و سودآوری تعادل مناسبی را برقرار کنند. قابل ذکر است که «نقدینگی بیان درجه‌ای از انجام تعهدات مربوطه بانک است» (دانگ^{۱۸}، ۲۰۱۱).

پیشینه تجربی پژوهش

به علت جدید بودن موضوع از پیشینه‌هایی که فقط در مورد عملکرد و در برخی موارد حاکمیت شرکتی وجود داشت، استفاده شده است.

الناصر عبدالله، اسماعیل^{۱۹} (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان حاکمیت شرکتی، ساختار مالکیت و عملکرد شرکت در شورای همکاری کشورهای عرب خلیج فارس، که مدل این پژوهش دارای متغیر وابسته‌ی عملکرد و متغیر مستقل حاکمیت شرکتی است به بررسی حاکمیت شرکتی با عملکرد پرداختند که از نتایج این پژوهشگران رابطه مثبت و معنادار حاکمیت شرکتی بر عملکرد به اثبات رسید و از نتایج دیگر این پژوهش دخالت دولت در بهبود حاکمیت شرکتی است.

اکبر و همکاران^{۲۰} (۲۰۱۶) در دیگر پژوهش رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت در بریتانیا را مورد بررسی قرار دادند که عملکرد در این پژوهش با متغیر ROA سنجیده شد و سپس به بررسی ارتباط این متغیر با حاکمیت شرکتی پرداختند و نشان دادند که بین عملکرد و حاکمیت شرکتی هیچ گونه رابطه معناداری وجود ندارد.

دورو و همکاران^{۲۱} (۲۰۱۶) نیز در پژوهشی با عنوان رابطه پویا بین راهبری دو لایه و عملکرد شرکت: تعدیل نقش استقلال هیئت مدیره، به این نتایج دست یافتند: هیأت عامل اثر منفی بر عملکرد دارد و اگر استقلال هیأت ناظر و هیأت عامل تعدیل شود اثر مثبت با عملکرد شرکت خواهد داشت.

بابا جید وین توکی و همکاران^{۲۲} (۲۰۱۲) نیز در پژوهشی با عنوان درون زایی و پویایی حاکمیت شرکتی به نتایجی دست یافتند که از این نتایج ارتباط بین عملکرد و حکومت شرکتی به اثبات رسیده بود.

کمبرایی و روبرت^{۲۳} (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان تجزیه و تحلیل نسبت های مالی از عملکرد بانک های تجاری در آفریقای جنوبی، به بررسی عملکرد بانکداری تجاری آفریقای جنوبی برای دوره ۴ ساله پرداخت. نسبت های مالی به عنوان متغیرها شامل نسبت های سودآوری، نقدینگی، پنج بانک تجاری بزرگ بودند. این مطالعه نشان داد که عملکرد بانک ها به طور کلی توجه زیادی در دو سال اول از تجزیه و تحلیل را به خود معطوف کرد و البته تغییر قابل ملاحظه ای در آغاز بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۷ شروع شد که در طول (۲۰۰۸-۲۰۰۹) به اوج رسید، این

امر منجر به سقوط سودآوری، نقدینگی و بدتر شدن کیفیت اعتباری در بخش بانکی آفریقای جنوبی شد.

حسین و همکاران^{۲۴} (۲۰۰۱) در پژوهشی با عنوان حاکمیت شرکتی در نیوزلند: اثر شرکتها بر اساس قانون ۱۹۹۳ بر رابطه بین ترکیب هیأت مدیره و عملکرد شرکتها، به بررسی حاکمیت شرکتی و عملکرد پرداختند. متغیرهای این پژوهش حاکمیت شرکتی و عملکرد است و نتایج این پژوهش با توجه به قانون ۱۹۹۳ نیوزلند این است که اگر رابطه اعضای غیر موظف بر اساس این قانون باشد طوری که آنان حق شکایت و... را داشته باشند این اعضا بر عملکرد اثر مثبت دارند در غیر این صورت هیچ اثری ندارند.

پوفر و وینتروپ^{۲۵} (۱۹۹۵) در پژوهشی با عنوان مدیرعامل و هیأت مدیره: تأثیر عملکرد سازمانی و ترکیب هیأت مدیره و بازنشستگی بر اعضای غیر موظف، به بررسی عملکرد پرداختند. از متغیرهای این پژوهش اعضای غیر موظف و ساختار شرکت، عملکرد، اعضای موظف و... است و نتایج این پژوهش نشان دهنده این مهم است که اعضای غیر موظف بر بهبود عملکرد شرکت اثری نداشتند.

تأبئی نقدری و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش تأثیر تعدیل گری اندازه شرکت بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد اقتصادی شرکتها به رابطه مستقیم بین عملکرد و حاکمیت شرکتی پی بردند که اندازه ی شرکت به عنوان متغیر تعدیل گری این رابطه را تقویت کرد.

ستایش و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش با عنوان بررسی ارتباط بین افشای داوطلبانه و عملکرد شرکتها پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عدم رابطه معناداری بین افشای داوطلبانه با بازده داراییها و بازده حقوق صاحبان و رابطه مثبت و معنادار بین افشای داوطلبانه و نمرات کارایی محاسبه شده به وسیله تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها به عنوان معیار جامع عملکرد اشاره کردند.

حیدر پور و همکاران (۱۳۹۱) به ارزیابی عملکرد بانکها با استفاده از روش ترکیبی FAHP-TOPSIS پرداختند و متغیرهای این پژوهش: کارایی و عملکرد کارکنان، مدیریت دارایی و بهره‌وری کارکنان، نرخ بازده دارایی و... است. از نتایج این پژوهش نیز رتبه بندی مذکور با رتبه بندی بورس اوراق بهادار با توجه به استفاده از روش های متفاوت رتبه بندی، یکسان نمی باشد. رستمی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله ی دیگر تحت عنوان ارزیابی عملکرد مالی بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، با استفاده از روش تاپسیس و مدل تحلیل پوششی داده ها از معیارهای سودآوری، نقدینگی، بهره جستن و نسبت های مالی مرتبط با هر معیار را برای ارزیابی عملکرد مالی بانک ها مورد استفاده قرار دادند. نتایج نشان داد از دید واحد تصمیم گیری ایده آل، بانک کارآفرین، ملت و پارسیان کمترین فاصله و بانک صادرات بیشترین فاصله را با ایده آل داشته و

از دید واحد تصمیم‌گیری ضدایده آل، بانک صادرات کمترین فاصله و بانک کارآفرین بیشترین فاصله را با ضد ایده آل داشت.

احمد پور و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر هزینه تأمین مالی از طریق بدهی (استقراض) پرداختند و به اثبات رساندند که وجود سهامداران نهادی عمده در ترکیب سهامداران و نظارت بر کارایی آنها تأثیر منفی و معنادار بر هزینه بدهی شرکت‌های عضو نمونه دارد.

حساس یگانه و همکاران (۱۳۸۸) در بررسی رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به این نتایج دست یافتند که هیچگونه رابطه معناداری بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت وجود ندارد.

مشایخی و توتاخانه بناب (۱۳۸۸) به بررسی رابطه بین ترکیب هیأت مدیره به عنوان یکی از معیارهای راهبری شرکتی، با عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و یافته‌های تحقیق بیانگر این است که هیچکدام از استقلال هیأت مدیره و ساختار رهبری و همچنین ترکیب آنها رابطه‌ای با عملکرد شرکت ندارد. اما بررسی‌ها نشان داد که حدود ۷۶ درصد شرکت‌ها مورد بررسی از نقش غیر ترکیبی مدیریت برخوردار بوده و بطور میانگین ۶۰ درصد اعضای هیأت مدیره آنها از مدیران غیر اجرایی تشکیل شده است.

در تحقیق‌های پیشین مطرح شده به رابطه و تأثیر عملکرد و حاکمیت شرکتی پرداخته شده است که در این پژوهش علاوه بر متغیرهای مطرح شده به عملکرد شرکت‌های وابسته و فرعی و پنج حوزه مدیریتی و مالی توجه ویژه‌ای در مدل‌ها گردیده است و اثر این متغیرهای مهم نیز بر عملکرد بررسی شده است که این وجه تمایز بین پژوهش موجود با سایر تحقیقات مطرح شده است.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی اول: بین پنج حوزه مدیریتی و مالی و عملکرد بانکها رابطه معنادار مثبت وجود دارد.

فرضیه اصلی دوم: بین حاکمیت شرکتی و عملکرد بانکها رابطه معنادار مثبت وجود دارد.
فرضیه اصلی سوم: بین عملکرد شرکت‌های وابسته و فرعی و عملکرد بانکها رابطه معنادار مثبت وجود دارد.

۳- روش شناسی پژوهش

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌ها، رگرسیون چند متغیره می‌باشد. مدل این تحقیق، مدل رگرسیون حداقل مربعات می‌باشد. در این پژوهش در مرحله اول روایی (اعتبار) پژوهش بررسی شد. از آنجایی که داده‌ها از بانک‌های - اطلاعاتی موجود در سازمان بورس به

دست آمده یا مستقیماً از صورت های مالی و یادداشت های مربوط به آن استخراج شده است، بنابراین، می توان به آن ها اعتماد نمود و به روایی داده ها اطمینان داشت. برای تخمین مدل با استفاده از داده های ترکیبی، نخست باید مشخص شود کدام یک از انواع مدل های ترکیبی، تخمین های کاراتری را ارائه می دهد. به همین دلیل، از آزمون F لیمر برای تعیین استفاده از مدل داده های تلفیقی یا تابلویی، استفاده شده است. در آزمون F لیمر، فرض صفر یکسان بودن عرض از مبدا ها (داده های تلفیقی) و فرض مقابل، ناهمسانی عرض از مبدا ها (داده های تابلویی) می باشد. اگر احتمال آماره F محاسبه شده از 0.05 بزرگتر باشد، فرض صفر تایید شده و استفاده از روش داده های تلفیقی بهتر است. در غیر این صورت از مدل داده های تابلویی استفاده می شود. روش داده های تابلویی خود به دو نوع مدل شامل مدل تابلویی با اثرات ثابت و تابلویی با اثرات تصادفی تقسیم می شود. در صورتی که بر اساس نتایج آزمون F لیمر از داده های تابلویی استفاده شود، باید نوع مدل آن نیز مشخص گردد. بدین منظور از آزمونونی تحت عنوان آزمون هاسمن استفاده می شود. واز آزمونهای دیگر در این پژوهش آزمون نرمال جارکیوبرا است و سپس آزمون مانایی به روش ریشه واحد متغیرها از طریق KPSS انجام خواهد شد و سپس آزمون برابری میانگین که معناداری کل را نشان می دهد که برای داده های کمی در چند جامعه از آزمون Anova-f test استفاده خواهد شد.

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش، از نوع توصیفی - تحلیلی است و در این پژوهش برای جمع آوری اطلاعات مربوط به مبانی نظری و پیشینه پژوهش از روش کتابخانه ای استفاده شده است. همچنین برای جمع آوری داده های مورد نیاز جهت آزمون فرضیه ها از روش اسناد کاوی استفاده شده است. در این راستا داده ها از گزارش های سازمان بورس و اوراق بهادار، که در سایت سازمان بورس و اوراق بهادار است استخراج شده است و برای ارزیابی عملکرد از نرم افزار Topsis نسخه هشت استفاده شده است و برای آزمون مدل های رگرسیون فرضیه ها از نرم افزار Eviews نسخه هشت استفاده گردید. مدل ها و متغیرهای مورد استفاده به شرح زیر است:

ارزیابی در پیشرفت علوم مختلف امری ضروری است (لوسادا و همکاران^{۲۶}، ۲۰۱۸). یکی از راه های ارزیابی عملکرد روش تاپسیس است که توسط هوانگ و یون^{۲۷} در سال ۱۹۸۱ پیشنهاد شد (هوانگ و یون، ۱۹۸۱). این مدل یکی از بهترین مدل های تصمیم گیری چند شاخصه است و از آن استفاده زیادی می شود. در این روش نیز m گزینه به وسیله n شاخص مورد ارزیابی قرار می گیرد، اساس این تکنیک، بر این مفهوم استوار است که گزینه انتخابی، باید کمترین فاصله را با راه حل ایده آل مثبت و بیشترین فاصله را با راه حل ایده آل منفی داشته باشد. فرض بر این است که مطلوبیت هر شاخص، بطور یکنواخت افزایشی یا کاهششی است (رستمی و همکاران ۱۳۹۰). از جمله مزیت های این روش آن است که معیارها یا شاخص های به کار رفته برای مقایسه

می‌توانند دارای واحدهای سنجش متفاوت بوده، طبیعت مثبت و منفی داشته باشند؛ به بیان دیگر می‌توان از شاخص های منفی و مثبت به شکل ترکیبی در این تکنیک استفاده کرد (مهرگان، ۱۳۹۱).

ارزیابی متغیرهای پژوهش به شرح زیر است:

- ارزیابی پنج حوزه مدیریتی و مالی: کفایت سرمایه، کیفیت دارایی، مدیریت بهره‌وری، درآمدها، نسبت نقدینگی در ادامه توضیح داده شده است.
- برای ارزیابی عملکرد بر مبنای اقلام ترازنامه که دارای متغیرهای بدهی، حقوق صاحبان سهام، دارایی است از نرم افزار تاپسیس استفاده شده است.
- برای ارزیابی متغیرهای عملکرد بر مبنای نسبتهای سودآوری و اهرمی که دارای متغیرهای - ROA و ROE و نسبت بدهی، نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام است از نرم افزار تاپسیس استفاده شده است.
- برای ارزیابی عملکرد شرکتهای وابسته و فرعی از متغیرهای ROA و ROE و نسبت بدهی، نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام است، استفاده شده است.
- برای ارزیابی کارایی بانکها که در این پژوهش مدیریت بهره‌وری است از روش تحلیل پوششی داده ها استفاده شده است متغیرهای مدل DEA شامل دو متغیر ورودی: نسبت های بدهی و نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام و دو متغیر خروجی: ROA و ROE می باشد.
- برای ارزیابی حاکمیت شرکتی از نسبت اعضای غیر موظف استفاده شده است.

نگاره ۱. متغیرهای پژوهش

منبع محاسبه	محاسبه	مخفف	نام متغیر
(دانگ، ۲۰۱۱)	$\frac{\text{Total capital}}{\text{Total assets}}$	CA	کفایت سرمایه
(دانگ، ۲۰۱۱)	$\frac{\text{Provision for loan loss}}{\text{Total loans}}$	AQ	کیفیت دارایی
(فارل، ۱۹۵۷)	$\sum_{r=1}^s u_r \times y_{ij}$	ME *	مدیریت بهره وری
(دانگ، ۲۰۱۱)	$\frac{\text{Net interest income}}{\text{equity}}$	ER	درآمدها
(دانگ، ۲۰۱۱)	$\frac{\text{Total customer deposits}}{\text{Total asset}}$	LM	نسبت نقدینگی
(پول همکاران، ۲۰۱۱)	$\frac{\text{Non-executive directors}}{\text{Total board}}$	CG	حاکمیت شرکتی

x_i = متغیر ورودی با وزن α_i برای داده $(i=1, 2, \dots, m)$ *

y_r = متغیر خروجی با وزن β_r برای داده $(r=1, 2, \dots, s)$

v_i = وزن متغیر ایکس ام

متغیرهای پژوهش

Total capital = جمع سرمایه که از تفاوت جمع دارایی و جمع بدهی در صورتهای مالی بدست آمده است.

Total assets = جمع دارایی از جمع دارایی جاری و غیر جاری بدست آمده است.
Provision for loan loss = وام‌های معوق از جمع مطالباتی که بیش از شش ماه و کمتر از هجده ماه از تاریخ سررسید ویا از تاریخ قطع بازپرداخت آن سپری شده است (تقی نتاج و همکاران، ۱۳۹۲).

Total loans = جمع وام که از مطالبات جاری و غیر جاری، مطالبات سررسید گذشته، مطالبات معوق، مطالبات مشکوک الوصول و مطالبات سوخت شده بدست آمده است.

Net interest income = سود پس از کسر مالیات یا سود خالص از طریق کسر نمودن هزینه‌های عملیاتی و مالیات از درآمد آن شرکت، محاسبه شده باشد (براون و آبراهام، ۲۰۱۲).

Equity = حقوق صاحبان سهام از جمع سود و زیان انباشته، سهام سرمایه، کسر سهام و اندوخته‌های شرکت بدست می‌آید.

Total customer deposits = جمع سپرده مشتری که از سپرده دیداری و سپرده غیر دیداری، سپرده مدت دار بدست آمده است.

Non-executive directors = از تفاوت اعضای هیأت مدیره و اعضای موظف بدست می‌آید.

Total board = جمع هیأت مدیره که از جمع اعضای موظف و غیر موظف هیأت مدیره بدست آمده است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش، صنعت بانکداری بوده است. نمونه آماری این پژوهش شامل ۱۲ بانک (ملت - ایران زمین - پاسارگاد - پارسیان - اقتصاد نوین - کارآفرین - انصار - سامان - شهر - دی - تجارت - صادرات) و ۷۲ شرکت وابسته و فرعی طی سالهای ۱۳۸۷-۱۳۹۲ است که با توجه به معیارهای زیر انتخاب گردید:

- سال مالی شرکت مورد بررسی منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
- شرکتهای زیرمجموعه که فرعی و وابسته باشند.
- بانکهای مورد نظر دارای شرکتهای وابسته و فرعی باشند.
- اطلاعات مورد نظر شرکت در دسترس باشد.

۳۱	سال مالی کل بانک مورد بررسی منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
۸	از بانکهای تجاری دولتی و خصوصی نباشند.
۴	از بانکهای در آستانه تأسیس و بانکهای قرض الحسنه نباشند.
۷	بانکهای فاقد شرکتهای وابسته و فرعی
۱۲	تعدا باقی مانده

مدلهای پژوهش

مدل اول این پژوهش بر اساس مدل انگور و کوسا (۲۰۱۳) است که متغیر وابسته و مستقل این مدل بدین شرح است: متغیر وابسته این مدل در دو حالت بررسی شده است یعنی بر مبنای نسبتهای سودآوری و اهرمی و در حالت بعدی بر مبنای اقلام ترازنامه که در ذیل به شرح آنها پرداخته شده است.

$$\Pi = \alpha_0 + \alpha_1 CA_{IT} + \alpha_2 AQ_{IT} + \alpha_3 ME_{IT} + \alpha_4 LM_{IT} + \alpha_5 GDP_{IT} + \alpha_6 INF_{IT} + \varepsilon \quad \text{مدل ۱}$$

متغیر وابسته:

$\Pi_1 =$ عملکرد بانکها بر مبنای نسبتهای سود آوری و اهرمی که بر مبنای روش تاپسیس سنجیده شده است.

$\Pi_2 =$ عملکرد بانکها بر مبنای اقلام ترازنامه که با روش تاپسیس سنجیده شده است.
متغیرهای مستقل:

$CA_{IT} =$ کفایت سرمایه که از تقسیم جمع سرمایه بر جمع دارایی بدست آمده است.

$AQ_{IT} =$ کیفیت دارایی که از تقسیم وام معوق بر جمع کل وام بدست آمده است.

$ME_{IT} =$ مدیریت بهره وری (کارایی بانکها) با استفاده از روش تحلیل پوششی داده ها بدست آمده است یعنی متغیرهای ورودی این روش نسبت بدهی و نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام و متغیرهای خروجی: ROA و ROE می باشد.

$LM_{IT} =$ نسبت نقدینگی که از جمع سپرده مشتری بر جمع دارایی بدست می آید.

$GDP_{IT} =$ درآمد که همان تولید ناخالص داخلی که بر اساس داده های اعلام شده مرکز آمار بدست آمده است.

متغیر کنترلی

$INF_I =$ متوسط نرخ تورم سالانه که بر اساس داده های اعلام شده مرکز آمار بدست آمده است.

مدل دوم بر گرفته از مدل رز (۲۰۱۶) است که متغیر وابسته این مدل هم عملکرد است و در دو حالت بررسی شده است: حالت اول عملکرد بر مبنای نسبتهای سودآوری و اهرمی و حالت دوم بر مبنای ارقام ترازنامه است که در ذیل به شرح آنها پرداخته شده است.

$$\Pi = \alpha_0 + \alpha_1 CG + \sum \alpha_2 \text{control variables}_i + \varepsilon \quad \text{مدل ۲}$$

متغیر وابسته

Π_1 = عملکرد بانکها بر مبنای نسبتهای سودآوری و اهرمی که بر مبنای روش تاپسیس سنجیده شده است.

Π_2 = عملکرد بانکها بر مبنای ارقام ترازنامه که با روش تاپسیس سنجیده شده است.

متغیرهای مستقل

CG = حاکمیت شرکتی که بر مبنای اعضای غیر موظف است.

متغیرهای کنترل

Per = عملکرد شرکتهای وابسته و فرعی که با روش تاپسیس سنجیده شده است.

CA_{IT} = کفایت سرمایه که از تقسیم جمع سرمایه بر جمع دارایی بدست آمده است.

AQ_{IT} = کیفیت دارایی که از تقسیم وام معوق بر جمع کل وام بدست آمده است.

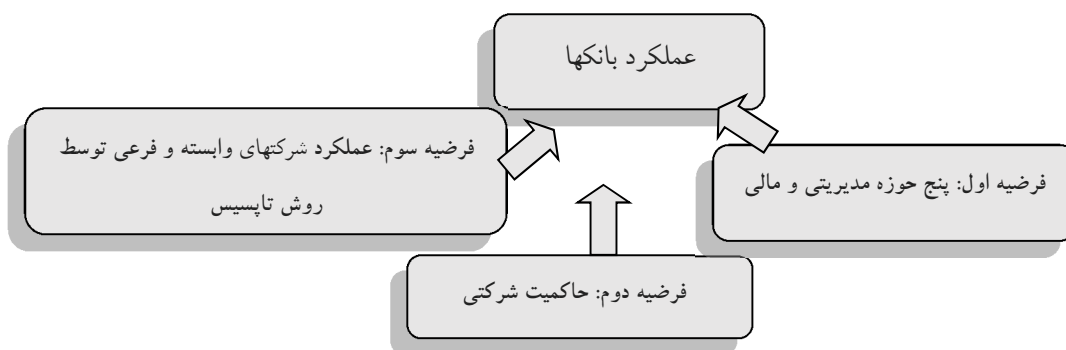
ME_{IT} = مدیریت بهره‌وری (کارایی بانکها) با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها بدست آمده است یعنی متغیرهای ورودی این روش نسبت بدهی و نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام و متغیرهای خروجی: ROA و ROE می باشد.

LM_{IT} = نسبت نقدینگی که از جمع سپرده مشتری بر جمع دارایی بدست می آید.

GDP_{IT} = تولید ناخالص داخلی که بر اساس داده‌های اعلام شده مرکز آمار بدست آمده است.

INF₁ = متوسط نرخ تورم سالانه که بر اساس داده‌های اعلام شده مرکز آمار بدست آمده است.

در ذیل مدل مفهومی پژوهش قرار گرفته است:



۴- یافته های پژوهش

توصیف آماری داده ها، گامی در جهت تشخیص روابط بین متغیرها است و آمار توصیفی این تحقیق در نگاره ۴ ارائه شده است.

نگاره ۴. آمار توصیفی

نام متغیر	حداقل	حداکثر	انحراف معیار	میانگین	میانه
عملکرد بانکها بر مبنای نسبتهای سودآوری و اهرمی	۰/۰۲	۰/۸۵	۰/۱۵	۰/۳۸	۰/۳۶
عملکرد بانکها بر مبنای اقلام ترازنامه	۰/۰۰۱	۰/۷۵	۰/۱۰	۰/۰۷	۰/۰۴
عملکرد شرکتهای وابسته و فرعی	۰/۰۱	۰/۵۸	۰/۱۱	۰/۱۸	۰/۱۷
حاکمیت شرکتی	۰/۱۶	۰/۸۰	۰/۲۰	۰/۳۹	۰/۴۰
کفایت سرمایه	۳/۸۰	۶۱/۰۰	۹/۴۴	۱۳/۱۲	۹/۹۷
کیفیت دارایی	۰/۲۲	۹۰/۱۰	۱۸/۲۲	۱۶/۷۴	۸/۸۰
مدیریت بهره وری	۰/۰۰۷	۱/۰۰	۰/۳۶	۰/۵۲	۰/۵۳
نسبت نقدینگی	۱۷/۳۰	۹۸/۰۰	۱۴/۷۴	۷۵/۸۶	۷۹/۰۰
تولید ناخالص داخلی	۱۰/۸۰	۳۰/۵۰	۷/۹۶	۲۱/۸۵	۲۳/۴۵
متوسط نرخ تورم سالانه	۱۰/۸۰	۳۰/۷۰	۷/۹۸	۲۱/۸۸	۲۳/۴۵

همان طور که در نگاره ۴ مشاهده می شود، پایین بودن متغیر حاکمیت شرکتی نسبت به میانگین نشان دهنده این امر است که چولگی این متغیر کمی به چپ است و پس شاخص حاکمیت شرکتی در تقریباً نیمی از شرکتهای نمونه پایین تر از میانگین و در نیمی از شرکتهای نمونه بیشتر از میانگین است. میزان تغییرات نسبت به میانگین برای متغیر کیفیت دارایی از سایر متغیرها بیشتر بوده است که نشان می دهد وام های معوق که بر جمع کل وام تقسیم می شود دارای تغییرات بیشتری نسبت به میانگین است. نزدیکی میانه و میانگین در متغیرها نشان دهنده ی نرمال بودن متغیرها است که این امر در آزمون جارتیوبرا نیز به اثبات رسیده است.

آزمون فرضیه ها

آزمون فرضیه به روش تحلیل رگرسیون مورد بررسی قرار گرفت که در دو مدل مطرح شده متغیرهای وابسته دارای دو معیار است: معیار اول: عملکرد بانکها بر مبنای نسبتهای سودآوری و اهرمی و معیار دوم: عملکرد بانکها بر مبنای اقلام ترازنامه. در نگاره (۵) فرضیه اول که مورد آزمون قرار گرفت به طور کامل بیان شده است و در نگاره (۶) فرضیه دوم و سوم که مورد آزمون و بررسی بودند به طور کامل بیان شده است.

نگاره ۵. نتایج آزمون فرضیه اول

$$\Pi = \alpha_0 + \alpha_1 CA_{IT} + \alpha_2 AQ_{IT} + \alpha_3 ME_{IT} + \alpha_4 LM_{IT} + \alpha_5 GDP_{IT} + \alpha_6 INF_{IT} + \varepsilon$$

متغیرهای وابسته

معیار اول: عملکرد بانکها بر مبنای نسبتهای سودآوری و اهرمی
 معیار دوم: عملکرد بانکها بر مبنای اقلام ترازنامه

متغیرهای مستقل و متغیر کنترل	احتمال t	ضریب آماره t	احتمال t	ضریب آماره t
کفایت سرمایه	۰/۰۰	-۰/۰۰۴	۰/۰۰	۰/۰۰۰۸
کیفیت دارایی	۰/۰۰	۰/۰۰۰۹	۰/۰۲	-۰/۰۰۰۱
مدیریت بهره‌وری	۰/۶۷	۰/۰۱۳۲	۰/۰۲	-۰/۰۰۲۶
نسبت نقدینگی	۰/۴۹	-۰/۰۰۰۵	۰/۰۰	-۰/۰۰۲۶
تولید ناخالص داخلی	۰/۰۰	-۰/۱۶۴۵	۰/۰۰	-۰/۰۳۷
متوسط نرخ تورم سالانه	۰/۰۰	۰/۱۷۱۱	۰/۰۰	۰/۰۳۷
ضریب آماره f	۸/۲۷	۲۸۹/۲۶	۰/۰۰	
احتمال آماره f	۰/۰۰			
دوربین واتسون	۱/۷۴	۲/۳۲		
ضریب تعیین	۰/۶۴	۰/۹۸		
احتمال آزمون چاو	۰/۰۰	۰/۰۰		
آزمون هاسمن	۰/۰۹	۰/۰۷		
انتخاب روش	روش اثرات تصادفی	روش اثرات تصادفی		

مطابق با نگاره (۵)، در فرضیه اول متغیرهای پنج حوزه مدیریتی و مالی به صورت مستقل هستند و رابطه بین معیار اول با کفایت سرمایه، کیفیت دارایی، تولید ناخالص داخلی، دارای احتمال آماره t کمتر از ۵ درصد است و ضریب احتمال آماره t این متغیرها به ترتیب -۰/۰۰۰۹، -۰/۰۰۰۴، -۰/۱۶۴۵ است ولی دو متغیر نسبت نقدینگی و مدیریت بهره‌وری دارای احتمال بیشتر از ۵ درصد هستند و در مورد رابطه معیار دوم، این متغیر با همه متغیرهای موجود دارای احتمال آماره t کمتر از ۵ درصد است و ضریب احتمال آماره t این متغیرها به ترتیب ۰/۰۰۰۸، ۰/۰۰۰۱، -۰/۰۰۲۶، -۰/۰۰۲۶، -۰/۰۳۷، -۰/۰۳۷، ۰/۰۳۷ است. دوربین واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ می باشد و احتمال آماره f نیز ۰/۰۰ است.

$$\Pi = \alpha_0 + \alpha_1 CG + \sum \alpha_2 \text{controlvariables}_i + \varepsilon$$

متغیرهای وابسته				
معیار اول: عملکرد بانکها بر مبنای نسبتهای		معیار دوم: عملکرد بانکها بر مبنای اقلام سودآوری و اهرمی		
ترازنامه	احتمال t	ضریب آماره t	احتمال t	متغیرهای مستقل و متغیر کنترل
ضریب آماره t	۰/۰۰	۰/۲۳	۰/۰۰	حاکمیت شرکتی
۰/۰۰۲۵	۰/۰۰	-۰/۰۱	۰/۰۰	کفایت سرمایه
-۰/۰۰۰۹	۰/۰۰	۰/۰۰۱۷	۰/۰۰	کیفیت دارایی
-۰/۰۰۱۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	نسبت نقدینگی
-۰/۰۰۳۱	۰/۹۰	۰/۰۲	۰/۰۲	مدیریت بهره وری
۰/۰۱	۰/۰۰	-۰/۰۶۸	۰/۰۱	تولید ناخالص داخلی
۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۷۶	۰/۰۰	متوسط نرخ تورم سالانه
۰/۰۲	۰/۳۷	۰/۰۲	۰/۰۲	عملکرد شرکتهای وابسته و فرعی
	۱۰۱/۴۸		۱۷/۷۱	ضریب آماره f
	۰/۰۰		۰/۰۰	احتمال آماره f
	۲/۳۴		۲/۱۴	دوربین واتسون
	۰/۹۷		۰/۸۵	ضریب تعیین

متغیر *controlvariables* شامل متغیرهای کنترلی پنج حوزه مدیریتی و مالی و عملکرد شرکتهای وابسته و فرعی است و متغیر *CG* هم حاکمیت شرکتی است و Π هم عملکرد بانکها را نشان می دهد. مطابق با نگاره (۶)، در مدل دوم که مربوط به فرضیه های دوم و سوم است متغیرهای پنج حوزه مدیریتی و مالی به صورت کنترلی مطرح شده اند و معیار اول با حاکمیت شرکتی، کفایت سرمایه، کیفیت دارایی، نسبت نقدینگی، مدیریت بهره وری، تولید ناخالص داخلی، متوسط نرخ تورم سالانه، عملکرد شرکتهای وابسته و فرعی دارای احتمال آماره *t* کمتر از ۵ درصد است و ضریب احتمال آماره *t* حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکتهای وابسته و فرعی به ترتیب ۰/۲۳ و ۰/۰۱ - و ۰/۰۰۱۷ و ۰/۰۰ و ۰/۰۲ و ۰/۰۱ و ۰/۰۰ و ۰/۰۲ است پس رابطه معناداری بین متغیرها و متغیر وابسته به اثبات رسید و معیار دوم نیز با همه متغیرهای موجود به جز عملکرد شرکتهای وابسته و فرعی و مدیریت بهره وری دارای احتمال آماره *t* کمتر از ۵ درصد است و ضریب احتمال آماره *t* متغیرها به ترتیب ۰/۰۰ و ۰/۰۰۲۵ و ۰/۰۰۰۹ و ۰/۰۰۱۰ - و ۰/۰۰۳۱ - و ۰/۰۱ و ۰/۰۰ و ۰/۰۲ است. دوربین واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ می باشد و احتمال آماره *f* نیز ۰/۰۰ است.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در دنیای امروز بانک‌ها دارای نقش برجسته‌ای در سطح کشور هستند و از نظر محققان بهبود عملکرد بانکها دارای اهمیت زیادی است و از جنبه‌ها و روش‌های مختلفی در این راستا استفاده شده است بر همین اساس برخی نتایج در مورد عملکرد بانکها مطرح شده است مانند این که در فرضیه اول این پژوهش بین پنج حوزه مدیریتی و مالی و عملکرد بانکها به اثبات رسید که وقتی عملکرد بانکها بر مبنای نسبتهای سودآوری و اهرمی سنجیده شود با متغیرهای کفایت سرمایه، کیفیت دارایی، تولید ناخالص داخلی و متوسط نرخ تورم سالانه دارای احتمال آماره t کمتر از ۵ درصد و رابطه‌ی معنادار است، کفایت سرمایه و تولید ناخالص داخلی دارای رابطه منفی و معنادار با عملکرد است و با افزایش این دو متغیر، عملکرد بانکها بر مبنای نسبتهای سودآوری و اهرمی کاهش می‌یابد و متغیر کیفیت دارایی رابطه مثبت و معنادار با عملکرد بانکها دارد پس با افزایش این متغیر، عملکرد بانکها بر مبنای نسبتهای سودآوری و اهرمی افزایش می‌یابد و دو متغیر دیگر پنج حوزه مدیریتی و مالی یعنی مدیریت بهره‌وری و نسبت نقدینگی هیچ‌گونه رابطه معنادار با این عملکرد از خود نشان ندادند و هنگامی که عملکرد با ارقام ترازنامه سنجیده شد همه متغیرهای موجود دارای احتمال آماره t کمتر از ۵ درصد است و این نتایج نشان می‌دهد که عملکرد و پنج حوزه مدیریتی و مالی دارای رابطه معنادار هستند ولی فقط متغیر کفایت سرمایه با عملکرد بر مبنای ارقام ترازنامه دارای رابطه مثبت معنادار است پس با افزایش این متغیر این عملکرد افزایش می‌یابد، پس پیشنهاد می‌شود اگر متغیرهای ورودی عملکرد نسبتهای اهرمی و متغیرهای خروجی عملکرد نسبتهای سودآوری باشد می‌توان با کاهش جمع سرمایه در بانکها نسبت کفایت سرمایه کاهش و در نتیجه عملکرد بانک بر مبنای نسبتهای سودآوری و اهرمی افزایش داد و همچنین اگر وام معوق و یا کل وام‌ها افزایش یابند نیز عملکرد در بانکها بر مبنای نسبتهای سودآوری و اهرمی افزایش می‌یابد و اما اگر عملکرد با متغیرهای ترازنامه‌ای مانند جمع بدهی و جمع دارایی و جمع حقوق صاحبان سهام سنجیده شود با همه متغیرهای پنج حوزه مدیریتی و مالی دارای رابطه معنادار و منفی است پس با توجه به تغییر متغیرهای عملکرد نتیجه متفاوت گردید در این جا پیشنهاد می‌گردد هر بانک با توجه به درجه اهمیت بین نسبتهای مالی و ترازنامه‌ای اقدام به سنجش عملکرد نموده و سپس اگر نسبتهای مالی اولویت پیدا کردند به نتایج معیار اول و اگر ارقام ترازنامه‌ای اولویت پیدا کردند به نتایج معیار دوم اکتفا کند و اگر این عملکرد بر مبنای ارقام ترازنامه سنجیده شود با متغیرهای کفایت سرمایه، نسبت نقدینگی، تولید ناخالص داخلی و مدیریت بهره‌وری، نسبت نقدینگی و متوسط نرخ تورم سالانه دارای احتمال آماره t کمتر از ۵ درصد و رابطه‌ی معنادار است، در هر دو نوع عملکرد رابطه مثبت و معنادار با متوسط نرخ تورم سالانه دارند پس پیشنهاد می‌گردد متوسط نرخ تورم سالانه افزایش یابد تا عملکرد بانکها افزایش و بهبود یابد، پدیده تورم که از هر هم خوردن تعادل میان کالای موجود

در جامعه با مقدار نقدینگی یا پول در گردش پدید می‌آید و براساس استانداردهای جهانی، مرجع محاسبه و اعلام نرخ تورم بانک مرکزی است مورد توجه بانک مرکزی ایران باید قرار گیرد و باید توجه کرد که تورم که از جمله پدیده‌هایی است که می‌تواند آثار و تبعاتی مثبت و منفی به دنبال داشته باشد و مهمترین اثر آن توزیعی است که به نفع گروه‌های پردرآمد است که البته این به ضرر گروه‌های فقیر و کم‌درآمد و حقوق‌بگیر می‌باشد و به عبارت دیگر به افراد دارای درآمدهای پولی ثابت، ضرر می‌رساند و از قدرت خرید آنان می‌کاهد و در مقابل، به نفع اغلب کسانی تمام می‌شود که درآمدهای پولی متغیر دارند و در مورد بانکها نیز افزایش متوسط نرخ تورم سالانه باعث بهبود عملکرد در آنها می‌شود و از نتایج دیگر این فرضیه رابطه منفی و معنادار متغیر تولید ناخالص داخلی است پس پیشنهاد می‌گردد با کاهش تولید ناخالص داخلی که یکی از مقیاس‌های اندازه‌گیری در اقتصاد است و در برگیرنده ارزش مجموع کالاها و خدماتی است که طی یک دوران معین، معمولاً یک سال، در یک کشور تولید می‌شود عملکرد افزایش می‌یابد.

نتایج فرضیه دوم نشان می‌دهد که حاکمیت شرکتی با هر دو معیار مدل دوم دارای رابطه معنادار و مثبت است پس در این راستا پیشنهاد می‌گردد به اعضای غیر موظف شرکتها بیشتر توجه شود و به آموزش این افراد بهای بیشتری داده شود و سعی شود با برنامه‌ی منظم آموزشی این افراد مهم در جامعه را در جهت ارتقای علمی کمک نمود و چون این افراد ترس رویارویی با عکس العمل‌های سیاسی را دارند، خود را درگیر چالش نمی‌کنند باید تلاش کرد تا این عزیزان بر ترس خود غلبه کنند و توانایی ساختاردهی مجدد و ایجاد تغییرات را پیدا کنند پس مدیران باید به این عزیزان بهای بیشتری دهند و در سیاستهای شرکت این اعضا را دخیل نمایند زیرا با افزایش و بهبود این ابزار مهم حاکمیت شرکتی، عملکرد بانکها نیز بهبود می‌یابد. این نتیجه برعکس نتیجه پژوهش مشایخی و توتاخانه بناب (۱۳۸۸) و پوفر و وینتروپج (۱۹۹۵) است و هم راستای نتایج پژوهش دورو و همکاران (۲۰۱۶) است.

نتایج فرضیه سوم نیز هنگامی که عملکرد با نسبتهای مالی سنجیده شود با عملکرد شرکتی وابسته و فرعی دارای رابطه مثبت و معنادار است و با افزایش و بهبود عملکرد شرکتی وابسته و فرعی، عملکرد بانکها نیز افزایش و بهبود می‌یابد. اما هنگامی که عملکرد با اقلام ترازنامه سنجیده شود با عملکرد شرکتی وابسته و فرعی هیچگونه رابطه معناداری ندارد پس می‌توان نتیجه گرفت بانکها باید به نسبتهای مالی از جمله سودآوری و اهرمی توجه ویژه‌ای داشته باشند و پیشنهاد می‌گردد که شرکتی وابسته که توانایی مشارکت در تصمیم‌گیریهایی مربوط به سیاستهای مالی و عملیاتی واحد تجاری، ولی نه در حد کنترل سیاستهای مزبور را دارند بر طبق این پژوهش دارای اهمیت هستند و کمک به بهبود عملکرد آنها می‌تواند بر عملکرد بانکها اثر مثبت داشته باشد و بهبود این شرکتها در گرو اهمیت دادن به آنها است به طور مثال اگر نفوذ شرکت اصلی از

لحاظ سیاست نگهداری سود و قدرت رأی، بر شرکت وابسته بیشتر گردد منجر به بهبود عملکرد شرکت اصلی یا بانک می گردد و در مورد شرکت فرعی که تحت کنترل واحد تجاری دیگری (واحد تجاری اصلی) است نیز عواملی که موجب بهبود این شرکتها می گردد را پژوهشگران می توانند در پژوهش های دیگر بررسی کنند که یکی از این عوامل را می توان نسبتهای سودآوری و اهرمی خود شرکتها و وابسته و فرعی دانست زیرا برای ارزیابی این شرکتها نیز از ROA و ROE و نسبت بدهی، نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام استفاده شده است که با ارتباط عملکرد مبتنی بر متغیرهای مشترک بین عملکرد بانکها و شرکتها و وابسته و فرعی به اثبات رسید.

البته در این پژوهش محدودیت هایی نیز وجود دارد مانند این که همه بانکها بررسی نشدند و فقط بانکهایی که دارای شرکتها و وابسته و فرعی هستند مورد بررسی قرار گرفتند و سایر پژوهشگران می توانند این تحقیق را بر روی همه بانکها و شرکتها بوسه اوراق بهادار مورد بررسی قرار دهند و یا از متغیرهای جدیدتر در جهت ارزیابی عملکرد استفاده کنند و نتایج را با این پژوهش مقایسه کنند.

یادداشت ها

- | | |
|---------------------------|--|
| 1- Abdullah | 15- Liquidity |
| 2- Fama and Jensen | 16- Basel Committee on Banking Supervision |
| 3- Kiel and Nicholson | 17- Grier |
| 4- Sangmi and Nazir | 18- Dang |
| 5- Enron Corp | 19- Al- Nasser and Ismail, |
| 6- Faleye and Krishnan | 20- Akbar et al |
| 7- Fernandez | 21- Duru et al |
| 8- Schwartz and Menon | 22- Babajide Wintoki et al |
| 9- Friedman & Singh | 23- Kumbirai and Robert |
| 10- Ongore and kusa | 24- Hossain |
| 11- Capital adequacy | 25- Puffer and weintropj |
| 12- Asset quality | 26- Losada et al |
| 13- Management Efficiency | 27- Hwang & Yoon |
| 14- Earnings | |

کتاب نامه

۱. احمد پور، احمد و کاشانی پور، محمد و شجایی، محمد رضا. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر هزینه تأمین مالی از طریق بدهی، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۱۷ (۶۴): ۱۷-۳۲.
۲. احمدیان، اعظم. (۱۳۹۲). ارزیابی شاخص های سلامت بانکی در بانک های ایران، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱-۷۷.

۳. نیک بخت، محمد رضا و سیدی سیدعزیز هاشم الحسینی، روزبه. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر ویژگی‌های هیأت مدیره بر عملکرد شرکت، پیشرفت‌های حسابداری، ۱۲(۱): ۲۵۱-۲۷۰.
۴. تقی نتاج، غلامحسین و نجف پور کردی، حمید رضا. (۱۳۹۲). بررسی و تحلیل علل افزایش مطالبات معوق بانک نمونه و راه کارهای پیشگیری و کاهش آن، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۴(۱۷): ۱-۱۹.
۵. جلالی جلال آبادی، مژگان و دستگیر، محسن و گوگردچیان، احمد. (۱۳۹۵). نظام حاکمیت شرکتی بر شاخص واحد کارآیی مدیریت سرمایه در گردش در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۴(۱۲): ۶۹-۸۶.
۶. حساس یگانه، یحیی و رئیسی، زهره و حسینی، مجتبی. (۱۳۸۸). رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علوم مدیریت ایران، ۴(۱۳): ۷۵-۱۰۰.
۷. حساس یگانه؛ یحیی و نادری نوعینی، محمد مهدی. (۱۳۸۶). درس‌هایی از فروپاشی انرون در زمینه حاکمیت شرکتی، حسابدار، ۱۹۲ و ۱۹۳: ۵۳-۶۱.
۸. حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۴). مفاهیم حاکمیت شرکتی: حسابدار، ۱۹(۱۶۷): ۳۰-۳۳.
۹. حیدر پور، فرزانه و جلالی، عبدالعلی و بابایی نعمتی، فرید. (۱۳۹۲). ارزیابی عملکرد بانک‌ها با استفاده از روش ترکیبی - TOPSIS,FAHP، پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، ۵(۱۷): ۱۵۵-۱۸۳.
۱۰. رستمی، محمد رضا و قاسمی، جواد و اسکندری، فرزانه. (۱۳۹۰). ارزیابی عملکرد مالی بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، مجله حسابداری مدیریت، ۴(۸): ۱۹-۳۰.
۱۱. ولی الله، سیف. (۱۳۸۴). کفایت سرمایه در نظام بانکی، ماهنامه حسابدار، ۲۰(۱۷۱): ۱۶-۵۸.
۱۲. ستایش، محمد حسین و روستا، منوچهر و عزیززاده، وحید. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط بین افشای داوطلبانه و عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۴(۱۳): ۱۵۳-۱۶۰.
۱۳. سیدنورانی، محمدرضا و امیری، حسین و محمدیان، عادل. (۱۳۹۱). رابطه علیت بین سرمایه بانک و سودآوری با تأکید بر جنبه نظارتی ساختار سرمایه، پژوهشهای رشد و توسعه اقتصادی، ۶(۲): ۱۱-۴۴.
۱۴. لندارانی، جواد. (۱۳۸۹). رابطه بین کیفیت سود و ساختار سرمایه در بانکهای دولتی و غیردولتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب، تهران.

۱۵. مهرگان، محمد رضا. (۱۳۹۱). تحلیل پوششی داده ها: مدل های کمی در ارزیابی عملکرد سازمان ها، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۶۸.
۱۶. مشایخی، بیتا و توتاخانه بناب، بهنام. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین ترکیب هیات مدیره به عنوان یکی از معیارهای راهبری شرکتی، با عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله حسابداری مدیریت، ۲(۳): ۵۹-۷۱.
۱۷. تائبی نقندری، امیر حسین و تائبی نقندری، علی و عباس زاده، مهری. (۱۳۹۶). تأثیر تعدیل گری اندازه شرکت بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و عملکرد اقتصادی شرکتها، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۲(۱): ۱۵۵-۱۸۲.

18. Al- Nasser Abdullah, A. Ismail, A. K. (2017). Corporate Governance Practices, Ownership Structure, and Corporate Performance in the GCC Countries, Journal of International Financial Markets, Institutions & Money, 46: 98-115.

19. Abdullah, S.N. (2004). Board Composition, CEO Duality and Performance among Malaysian listed Companies, Corporate Governance: The international journal of business in society, 4(4): 47 – 61.

20. Akbar. S., poletti- Hughes. J., el-faitouri. R., Ali shah. s. z. (2016). More on the Relationship between Corporate Governance and Firm Performance in the UK: Evidence from the Application of Generalized Method of Moments Estimation, Research in International Business and Finance, 2-36.

21. Babajide Wintoki. m., linck. J.s., netter. j.m. (2012). Endogeneity and the Dynamics of Internal, Corporate Governance Journal of Financial Economics, 105: 581–606.

22. Brown, C., Abraham, F. (2012). Sum of Perpetuities Method for Valuing Stock Prices, Journal of Economics, 38 (1): 59–72.

23. Dang. U. (2011). The Camel Rating System in Banking Supervision a Case Study, Arcada University of Applied Sciences International Business, 1-43.

24. Duru. A., iyengar. R. j., zampelli. E.M. (2016). The dynamic relationship between CEO duality and firm performance: The moderating role of board independence Journal of Business Research, 1-9.

25. Fama, E. F., and Jensen, M. C. (1983). Separation of Ownership and Control, journal of Law and Economics, 26 (2): 301-325.

26. Farrell, M, J. (1957). The Measurement Of Productive Efficiency, Journal Of The Royal Statistical Society, 120(3): 253-290.

27. Faleye, O., Krishnan, K. (2017). Risky Lending: Does Bank Corporate Governance Matter? *Journal of Banking and Finance*, 80: 215-251.
28. Fernandez, M. R. (2015). Social responsibility And Financial Performance: The Role of Good Corporate Governance, *BRQ*, 19: 137-151.
29. Friedman, S.D., & Singh, H. (1989). CEO succession and stockholder reactions: The influence of organizational context and event content. *Academy of Management Journal*, 32: 718-744.
30. Grier, Waymond A. (2007). *Credit Analysis of Financial Institutions*. Euromoney Books: 333.
31. Hwang, C. L., Yoon, K., (1981). *Multiple Attribute Decision Making Methods and Applications: A State-Of-The-Art Survey*, Berlin, and Springer, 186-270.
32. Hossain, M., prevost. A. k., roa .r.p. (2001). Corporate governance in New Zealand: The effect of the 1993 Companies Act on the relation between board composition and firm performance *Pacific Basin Finance Journal*, 9: 119-145.
33. Kiel, G., Nicholson, G. (2003). Board Composition And Corporate Performance: How The Australian Experience Informs Contrasting Theories Of Corporate Governance, *Corporate Governance, Board Composition and Corporate Performance*, 11(3): 189-205.
34. Kumbirai, M., Robert. W. (2010). A Financial Ratio Analysis of Commercial Bank in Performance South Africa, *African Review of Economics and Finance*, 2: 30-57.
35. Losada, D, E., Parapar, J., Barreiro, A. (2018). A Rank Fusion Approach based on Score Distributions for Prioritizing Relevance Assessments in Information Retrieval Evaluation, *Information Fusion*, 39: 56-71.
36. Ongore. V., o kusa. G. b. (2013). Determinants of Financial Performance of Commercial Banks in Kenya, *International Journal of Economics and Financial Issues*, 3(1): 237-252.
37. Puffer, Sh. m., weintropj, b. (1995). Ceo And Board Leadership: The Influence of Organizational Performance, Board Composition, And Retirement on CEO Successor origin *Leadership Quarterly*, 6(1): 49-68.
38. Paul. A., fridey. O., Godwin. O. (2011). Board Composition and Corporate Performance: An Analysis of Evidence from Nigeria, *Research Journal of Finance and Accounting*, 2(4): 64-73.

39.Rose. C. (2016). Firm performance and comply or explain disclosure in corporate Governance European Management Journal, 1-21.

40.Sangmi, M. D., Nazir, t. (2010). Analyzing Financial Performance of Commercial Banks in India: Application of CAMEL Model. Pakistan Journal Commercial Social Sciences. 4 (1): 40-55.